

بررسی چالش‌های دهیاران در مدیریت نوین روستایی

(مورد مطالعه: دهیاران شهرستان اسکو از توابع استان آذربایجان شرقی)

محمد شوکتی آقمانی^۱ - دانش آموخته دکتری توسعه کشاورزی، گروه مدیریت و توسعه کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

مسلم سواری - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملاتانی، ایران.

Investigating the Challenges of Rural Managers (Dehyaries) in Rural Modern Management (Case Study: Osku County in East Azarbaijan province) Abstract

The overall aim of this study was to investigate the challenges faced by Dehyaries in modern rural management. The statistical population of this study was rural Dehyaries and residents of villages in the cosku county (N = 40752). The sample size of the rural population was 220 people that selected by using the Cochran sampling formula, and for the Dehyaries population, were 22 people that selected for study. To analyze the data, Fuzzy Hierarchy (FAHP), GIS and SPSS software were used for single-sample t-test. The results of fuzzy hierarchical analysis results from the Dehyaries questionnaire show that the most important challenges for Dehyaries in the modern rural management were economic, administrative, infrastructural, legal, educational, specialized and social order, but from the villagers' point of view the most important The challenges included economic, supportive, legal, educational and specialized, management, infrastructure and social. The results also showed that there is no agreement between the Dehyaries and local communities in the sub-section of the Challenges. The results of this research for effective management of rural communities can be used by rural development managers to adopt important policies in this field.
Keywords: Dehyaries, rural modern management, dehyaris challenges, osku, development management

چکیده:

هدف کلی این پژوهش، بررسی چالش‌های دهیاران در مدیریت نوین روستایی شهرستان اسکو بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دهیاران و ساکنان روستاهای دارای دهیاری در شهرستان اسکو از توابع استان آذربایجان شرقی (N= ۴۰۷۵۲) بود. حجم جامعه نمونه در بخش روستاییان با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران ۲۲۰ نفر برآورد شد و برای بخش دهیاران نیز ۲۲ نفر از آنان برای مطالعه انتخاب شدند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های سلسله مراتبی فازی (FAHP)، سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم افزار SPSS جهت انجام آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج تحلیل سلسله مراتبی فازی حاصل از پرسشنامه دهیاران نشان داد که مهم‌ترین چالش‌های دهیاران در مدیریت نوین روستایی به ترتیب چالش‌های اقتصادی - حمایتی، مدیریتی، زیرساختی، حقوقی، آموزشی و تخصصی و اجتماعی بود. اما مهم‌ترین چالش‌ها از دیدگاه روستاییان به ترتیب شامل چالش‌های اقتصادی - حمایتی، حقوقی، آموزشی و تخصصی، مدیریتی، زیرساختی و اجتماعی بود. همچنین نتایج نشان داد که در رابطه با چالش‌های مورد بررسی توافقی بین جامعه مورد مطالعه دهیاران و ساکنان روستاها وجود ندارد. نتایج این پژوهش در جهت مدیریت اثربخش جوامع روستایی می‌تواند مورد استفاده مدیران نوین روستایی جهت اتخاذ سیاست‌های مهم در زمینه مدیریت توسعه پایدار روستایی مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: دهیاری‌ها، مدیریت نوین روستایی، چالش‌های دهیاران، اسکو، مدیریت توسعه

۱- مقدمه

در افکار صاحب‌نظران توسعه، تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی و از جمله عرصه مدیرتی اشاره کرد (Salimi & Mansouri, ۲۰۱۳). بنابراین با توجه به تغییر و تحولات در کشورهای توسعه یافته و به تبع آن در کشورهای در حال توسعه، شناسایی چالش‌های حکومت محلی مبتنی بر مدیریت مشارکتی نواحی روستایی، مسئله‌ای کلیدی به شمار می‌رود (Zhang et al., ۲۰۰۴: ۲۸۵۷)؛ زیرا با توجه به وجود جمعیت‌های آسیب‌پذیر در نواحی روستایی - که اغلب به خدمات ارائه شده از سوی سطوح بالاتر دولت دسترسی ندارند، تکیه بر مدیریت محلی برای تأمین نیازهای اساسی مقوله‌ای بنیادی است (Rigg et al., ۱۲۸: ۲۰۰۹). همچنین مواجهه آگاهانه و مدیریت هدفمند ناملایمات و عدم قطعیت‌های محیط روستایی همواره از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مدیران و رهبران نوین روستایی است (Barney & Mackey, ۲۰۱۶: ۳۶۹). این در حالیست که امروزه، مقوله «توسعه» و به ویژه «توسعه مدیریت» دغدغه‌ی خاطر بسیاری از کشورهای جهان است (Fattahi, ۲۰۱۳). به زبان ساده، توسعه چیزی جز رضایت‌بخش‌تر کردن وضعیت زندگی مردم نیست. هر چند این موضوع در کشورهای در حال توسعه درخور اهمیت است، اما بیشتر به دلیل نبود اطلاعات دقیق آماری و وجود موانع بروکراسی در بدنه سازمانی کشور مطالعات اندکی به بررسی وضعیت و چالش‌های حاکمیت روستایی پرداخته است: Zhang et al., ۲۰۰۴: ۲۸۵۷). از نظر مایکل تودارو ضرورت تقدم و توجه به مدیریت و توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسأله بیکاری، حاشیه‌نشینی شهری و تراکم جمعیت؛ بهبود محیط روستایی است که آن هم با وجود مدیریت روستایی توانمند محقق خواهد شد (Azkia, ۲۰۰۸: ۲۰). وجود برخی زمینه‌ها و قابلیت‌ها

در حوزه مدیریت نوین روستایی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت برنامه‌ها، ارتقاء کیفی مدیریت و سیاست‌های رشد شاخص‌های عمرانی، خدماتی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی بوده و این فرآیند را تسهیل و تسریع نماید.

مدیریت روستایی نوعی استفاده جامع، مولد و یکپارچه از سرمایه‌های اجتماعی، طبیعی و مالی در مقیاس‌های زمانی و جغرافیایی است (Walker, ۲۰۰۲) که به مطالعه برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل تعاونی، تولیدات کشاورزی و اراضی یکپارچه می‌پردازد (Sriram, ۲۰۰۷). با صرف‌نظر از بررسی سیر تاریخی مدیریت روستایی در ایران، از سال ۱۳۷۷ دهیار به عنوان مدیریت روستا در مراجع و نهادهای قانونی کشور شناخته می‌شود. با توجه به اینکه، در نظریات توسعه روستایی، بر مدیریت روستا توسط سازمان‌های غیردولتی با مشارکت محلی تحت عنوان رویکرد توسعه از پایین تأکید می‌شود (Hodder, ۲۰۰۰) (دهیاری نیز به عنوان یک نهاد عمومی و غیر دولتی، با شخصیت حقوقی مستقل و با درخواست روستائیان و مجوز وزارت کشور در هر روستا تشکیل می‌شوند (Shahhosseini, ۲۰۰۴). هدف این نهاد، بهبود و توسعه شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی - کالبدی در سکونتگاه‌های روستایی است.

امروزه دهیاری‌ها با برجسته نمودن نقش خود در حوزه مدیریت اجرایی روستاها تأثیر چشمگیری در عمران و توسعه روستایی کشور به جا گذاشته است که بدون به‌کارگیری مدیریت نوین در جریان توسعه پایدار روستایی، پیشبرد این امر با مشکلات بسیاری روبرو خواهد شد (Daneshvar Ameri et al., ۲۰۱۶: ۴۹۳). نظام مدیریت نوین روستایی در ایران و در رأس آن دهیاری‌ها از دیرباز با چالش‌های ساختاری و مشکلات کارکردی بسیاری مواجه بوده است. به‌طوری‌که اکنون پس از گذشت بیست سال از راه‌اندازی نهاد دهیاری، بررسی‌های انجام شده حاکی از وجود نارسایی‌ها و چالش‌هایی است که وجود آن‌ها ممکن است موفقیت

روستایی وجود دارد که از سر راه برداشتن آن مسائل و مشکلات معادل با از بین بردن محرومیت‌ها در جوامع روستایی است. از این رو ایجاد زمینه توسعه تا حد زیادی در گرو تحقق یافتن مدیریت کارآمد اجرایی در روستاها می‌باشد (Mahdavi, ۲۰۰۲). روستاها به عنوان اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، دارای سازمان اجتماعی و مدیریت بوده‌اند، لکن مدیریتی با مفهوم گسترده‌تر و متفاوت با آنچه امروزه تحت عنوان علم و یا فن مدیریت مطرح است. به‌طوری‌که مدیریت روستاها در کشورهای جهان سوم که بخش اعظم جمعیت در روستاها استقرار دارند مدیریتی است متفاوت و با حساسیت بیشتر نسبت به مدیریت روستاها در کشورهای پیشرفته و صنعتی غرب (Taleb, ۲۰۱۰). از طرف دیگر نیز روستا به عنوان یک واحد جغرافیایی، اجتماعی، و اقتصادی با طیف وسیعی از مشکلات مواجه بوده و اداره امور هر یک از آنان نظام مدیریتی محلی خاصی را می‌طلبد (Kalantari, ۲۰۰۷). مدیریت روستایی فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست (Motiey Langrudi, ۲۰۰۳). بر این اساس، مدیریت روستایی مبتنی بر رویکرد نهادی و مشارکتی، فرایندی چند جانبه است که سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی را در بر می‌گیرد. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا شده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرند (Eftekhari, ۲۰۰۳). وجود نظام مدیریت و تشکیلات متناسب، یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی به شمار می‌رود و در کنار دیگر عوامل، با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، روند توسعه و رسیدن به هدف‌های توسعه در نواحی روستایی را آسان می‌کند (Purtaheri et al., ۲۰۱۰). با تشکیل مدیریت نوین روستایی در روستاها، شکل‌گیری نهادی رسمی و قانونی برای تثبیت امور عمومی روستا و مدیریت محلی روستایی در قالب دهیاری‌ها شکل گرفت (Estelaji, ۲۰۱۲). دهیاری‌ها

و اثربخشی طرح‌های مدیریت نوین روستایی را تحت تأثیر قرار دهد. دهیاری‌ها به علت تازگی در بنیان، دارای مشکلات مختلفی هستند که پرداختن به این مشکلات و آگاهی از آن‌ها و شناخت موانع فعالیت مطلوب دهیاران موجب کارایی بیشتر و خدمات‌رسانی بهتر این نهاد می‌شود. بر این اساس هدف این تحقیق شناسایی علمی چالش‌های فعالیت دهیاران در مدیریت نوین روستایی است که در ادامه راهکارهای مناسب و مرتبط جهت مرتفع نمودن آن‌ها ارائه شده است. در شهرستان اسکو نیز با توجه به کثرت جمعیت روستانشین و فقر مطالعاتی در زمینه مدیریت نوین روستایی به صورت اعم و دهیاران به صورت اخص، بررسی چالش‌های مدیریت نوین روستایی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

۲- پیشینه تحقیق

آغاز شناخت ده به عنوان یک واحد در تقسیمات سیاسی به دوران مشروطیت باز می‌گردد. در سال ۱۲۸۵ هجری قمری، ده به عنوان کوچکترین واحد حکومتی پذیرفته شد و کدخدایان به نمایندگی مالک در روستا فعال شدند. در سال ۱۳۱۴ قانون کدخدایی و در سال ۱۳۱۶ قانون عمران روستایی تصویب شد (Azmi et al., ۲۰۱۱). در سال ۱۳۴۰ طی سه مرحله اصلاحات ارضی نقش مالکان کمرنگ شد و در مقابل نهادهای دولتی همچون سپاه دانش و ترویج و خانه انصاف گسترش یافت (Mahdavi, ۱۹۹۸). بعد از انقلاب، شوراها و به تدریج خانه همیار و دفتر عمران روستایی به عنوان بازوی اجرایی تشکیل گردید تا در نهایت به علت عدم موفقیت این نهادها در سال ۱۳۷۷ قانون تأسیس دهیاری‌های خودکفا به تصویب رسید (Mahdavi, ۲۰۰۲; Imani Jajarmi & Abdollahi, ۲۰۰۹). طی چند دهه اخیر توسعه روستایی در ایران به طور اعم و مدیریت روستایی به طور اخص از روندی اندیشیده و طراحی شده منسجمی برخوردار نبوده است. علی‌رغم خدمات گسترده‌ای که از سوی دولت و نهادهای انقلابی در روستاها صورت گرفته، هنوز فاصله بین واقعیت‌های موجود و اهداف توسعه بسیار زیاد است و مسائل و مشکلات فراوانی در جامعه‌ی

به عنوان سازمان عمومی غیر دولتی که بازوی اجرایی مدیریت روستایی می‌باشند؛ اداره امور محلی را با نظارت روستاییان از طریق شورای اسلامی روستا به انجام می‌رسانند، در حوزه امور و خدمات عمومی وظیفه‌مند هستند، مطابق قانون شوراها، فعالیت‌های متعددی بر عهده این نهاد عمومی گذاشته شده است. بر اساس قانون تأسیس دهیاری‌ها، وظایف دهیار و دهیاری در ۴۸ بند مشخص شده است که حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی مناطق روستایی را شامل می‌شود، که بر اساس آن دهیاران مؤلف هستند تا در حیطه این قانون، وظایف و مسئولیت‌های مذکور را به اجرا بگذارند. با توجه به این وظایف دهیاری‌ها می‌توانند نقش مهمی را در جریان توسعه روستایی ایفا کنند. اما بر اساس بررسی‌های پیشین صورت گرفته در زمینه تحولات مدیریت روستایی ایران آنچه مدیریت روستایی را تهدید می‌کند، «فقدان نهادینگی» آن در روستاها و ساختار اداری و اجرایی کشور است که در صورت بی‌توجهی به مسائل آن مانند «کمبود سرمایه انسانی»، «تمرکزگرایی دولتی» و «فقدان منابع مالی پایدار» می‌توانند منجر به عدم توفیق دهیاری‌ها در دستیابی به اهداف خود شده و استمرار آشفتگی مدیریت روستایی را در پی داشته باشد (Imani Jajarmi & Abdollahi, ۲۰۰۹).

در رابطه با مدیریت نوین روستایی در ایران تحقیقات مختلفی با موضوعات گوناگون انجام شده است که هر یک بخشی از آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند که با توجه به موضوع این تحقیق به مرور برخی از این تحقیقات پرداخته شده است.

Lackey et al (۲۰۰۲) این تحقیق میزان همکاری دولت‌های محلی در مناطق روستایی دره تنسی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که عواملی مانند فقدان طرفداران قوی برای پروژه‌های تعاونی، عدم اعتماد متولیان مدیریت روستایی به یکدیگر و تفاوت در منابع موجود مانع همکاری بین آنها شده است.

Taqdidi et al (۲۰۱۱) در تحقیق خود با بررسی و تحلیل میزان عملکرد دهیاران در مدیریت روستایی بخش کونانی شهرستان کوهدشت به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین مشکل دهیاری‌ها در فرایند توسعه روستایی، کمبود منابع مالی و اعتباری برای توسعه بیشتر روستا است که علاوه بر کمک دولت، دهیاری‌ها نیز با مشارکت مردم باید راه‌هایی برای تأمین مالی اتخاذ کنند.

Ghadiri masum et al (۲۰۱۳)، در تحقیق خود با عنوان آسیب‌شناسی دهیاری‌های استان آذربایجان شرقی؛ مطالعه‌ی موردی شهرستان بستان‌آباد به این نتایج دست یافتند که مشارکت نکردن روستاییان و مقاومت آنان در برابر بهسازی معابر و اصلاح آن، نبود نظام برنامه‌ریزی برای روستا، و عدم همکاری بین دهیار و اعضای شوراها، اسلامی روستا به ترتیب مهمترین مسائل و مشکلات دهیاری‌های مورد مطالعه می‌باشد. ایشان در ادامه‌ی تحقیق خود تربیت مدیران آشنا به شرایط روستا و سازمان‌های محلی، انجام کار کارشناسی کافی قبل از اجرای طرح‌ها، انتخاب دهیاران توانمند و به دور از مسائل قبیله‌ای، لحاظ کردن رضایت مردم، الزام سازمان‌ها به همکاری با دهیاران و اعطای نقش بیشتر به دهیاران در امور روستایی را از جمله پیشنهادهای پژوهش خود بیان کردند.

Lawal (۲۰۱۴) در تحقیق خود به شناخت و اهمیت دولت‌های محلی در فرایند توسعه روستایی نیجریه پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داده است که دولت محلی در پاسخ به چالش‌های تأمین زیرساخت‌های روستایی و بهبود آن ضعیف بوده است.

Arabsorkhi et al (۲۰۱۵) در تحقیق خود با بررسی مسائل دهیاران زن استان اصفهان به این نتایج دست یافتند که پیشینه طولانی تمرکزگرایی، ابهام در قوانین بالادستی و تعریف حکومت محلی، وابستگی به دولت و فقدان نهادینگی دهیاری‌ها از مهمترین مسائل دهیاران است.

قرار گرفت و پس از جمع‌بندی نقطه نظرات آنان و مصاحبه با تعدادی از دهیاران، نسبت به تنظیم پرسشنامه نهایی اقدام گردید. جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق، پرسشنامه در بین ۳۵ نفر از ساکنان روستاهای دارای دهیاری شهرستان اسکو مورد پیش‌آزمون قرار گرفت و سپس با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی آن به دست آمد که برای قسمت اقتصادی - حمایتی ۰/۸۵، مدیریتی ۰/۷۹، آموزشی و تخصصی ۰/۸۸، اجتماعی ۰/۷۸، زیرساختی ۰/۸۲ و حقوقی ۰/۸۰ به دست آمد با توجه به اینکه مقدار آلفای کرونباخ در تمامی موارد بررسی شده بالاتر از ۰/۷ قرار دارد از پایایی مناسبی برخوردار است. جامعه آماری این تحقیق را ساکنان روستاهای دارای دهیاری در شهرستان اسکو (N= ۴۰۷۵۲) تشکیل داد.

جدول ۱. جامعه آماری و نمونه ساکنان روستاهای شهرستان اسکو به تفکیک بخش و دهستان

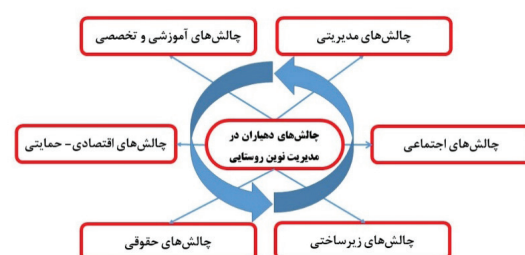
ردیف	بخش	دهستان	روستا	تعداد نمونه
۱	ایلخچی	شورکات جنوبی	خورخور، مرجانلو، زین‌الحاجیلو، خاصه‌لر، کردلر، بیگلر، خاصبان	از هر روستا ۱۰ نفر
		جزیره	سرای ده، گمیچی، آق‌گنبد	
۲	مرکزی	باویل	بایرام، دیزج، باویل، کلجاء	
		سهند	آمقان، اسکندان، اسفنجان، کندوان، کهنمو، عنصرود	
		گنبر	کردآباد، گنبر	
جمع	۲	۵	۲۲	۲۲۰ نفر

برای محاسبه حجم نمونه، تعداد ۳۵ نفر نمونه به عنوان پیش‌آزمون مورد بررسی قرار گرفت که انحراف معیار به‌دست‌آمده از آن برابر ۱/۳۸ به دست آمد. سپس در ادامه از طریق فرمول کوکران تعداد نمونه برای ساکنان روستاها به دست آمد.

$$n = \frac{181}{43} \text{ رابطه (۱)} = n =$$

Rahmanifazli et al (۲۰۱۵) در تحقیق خود با بررسی بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرایند مدیریت روستایی نوین به این نتیجه دست یافتند که برخی موانع از جمله ساختار متمرکز کشور، عدم تمایل مسئولان و نگرش منفی نسبت به حضور نهادهای تصمیم‌گیر در کنار نهادهای دولتی و هزینه‌های احتمالی اجرای این گونه مدل‌ها اعم از مالی و معنوی تاکنون مانع تحقق بهینه الگوی حکمروایی خوب روستایی شده‌اند.

Rostami & Heidari (۲۰۱۹) در تحقیق خود اذعان داشتند که فقدان ساختاری مناسب برای پیشبرد امور توسعه روستایی هماهنگ با نگرش چند بعدی، همواره یکی از چالش‌های اساسی چند دهه اخیر در زمینه مدیریت توسعه روستایی بوده است؛ زیرا اغلب برای هر یک از ابعاد توسعه روستایی سازمانی مستقل با رویکردی متمایز فعال بوده که غالباً در ارتباط و هماهنگی مناسبی با دیگر سازمان‌ها نبوده است.



نگاره ۱- چارچوب مفهومی تحقیق

۳- روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر هدف کاربردی است، ابزار اصلی این تحقیق پرسشنامه بود. در این مطالعه دو پرسشنامه طراحی و تکمیل شدند که یکی از آن‌ها برای مقایسه‌های زوجی بود که دهیار آن را تکمیل کردند و دیگری پرسشنامه رتبه‌بندی عواملی بود که خانوارهای روستایی تکمیل نمودند. جهت تعیین اعتبار و انجام اصلاحات لازم، پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران و دهیاران مورد مطالعه



زیرساختی

فرسوده بودن بافت فیزیکی-کالبدی و سنتی روستا
نبود اینترنت و تجهیزات الکترونیکی در دهیاری
کمبود امکانات و رفاه عمومی در روستا
عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب
نبود ساختمان مستقل برای دهیاری

حقوقی

نبود یک متولی معین و ثابت در امورات جامعه روستایی
نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار
تداخل وظایف سازمان‌های متولی توسعه روستایی
حجیم بودن قوانین و اساسنامه‌های مربوط به دهیاری

۴- یافته‌ها

نگاره ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

برای اطمینان بیشتر تعداد ۲۲۰ پرسشنامه در بین ساکنان روستاهای دارای دهیاری توزیع گردید که در نهایت تمامی پرسشنامه‌ها توسط آنان عودت داده شد و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. نحوه نمونه‌گیری نیز به روش تصادفی با انتساب نامتناسب بود که ۲۲۰ نفر از بین ساکنان ۲۲ روستای دارای دهیاری مورد مطالعه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که جهت بررسی چالش‌های دهیاران در مدیریت نوین روستایی از طریق ابعاد و شاخص‌های نظری ارائه شده در جدول (۲) استفاده شد.

جدول (۲). ابعاد و شاخص‌های مربوط به چالش‌های دهیاران در مدیریت نوین روستایی

ابعاد	شاخص
مدیریتی	تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام مدیریت نبود طرح جامع برای توسعه روستاها مستقل نبودن دهیاران فقدان قدرت اجرایی دهیار همانگ نبودن سازمان‌های ذیربط در امور روستایی
آموزش و تخصص	ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و کاربردی عدم توجه به تخصص‌گرایی نبود و یا ضعف آموزش‌های مستمر و پایدار بی سوادی یا کم سوادی روستاییان عدم آشنایی روستاییان با حقوق دهوندی
اجتماعی	وجود انتظارات بیش از حد روستاییان از دهیار مشارکت و همکاری نکردن روستاییان با دهیار نبود نهادهای اجتماعی حامی دهیاران بی‌اعتمادی مردم روستا به بروکراسی اداری وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای در جامعه روستایی
اقتصادی- حمایتی	عدم اختصاص بودجه کافی به طرح‌های دهیاری کمبود تجهیزات و امکانات اداری در دهیاری نبود امنیت شغلی برای دهیاران کمبود توان مالی روستاییان برای پرداخت خودیاری

بر اساس یافته‌های توصیفی این تحقیق؛ میانگین سن افراد مورد مطالعه ۳۱/۴۳ سال بود که در محدوده سنی ۱۶ تا ۷۵ سال قرار داشتند. ۱۷۵ نفر از پاسخ‌گویان معادل ۷۹/۵ درصد مرد و ۴۵ نفر معادل ۲۰/۵ درصد زن بودند. همچنین از نظر وضعیت تأهل نیز ۷۹ نفر معادل ۳۵/۹ درصد مجرد و ۱۴۱ نفر دیگر معادل ۶۴/۱ درصد متأهل بودند. از نظر تحصیلات ۱/۴ درصد (۳ نفر) بی‌سواد، ۲/۳ درصد (۵ نفر) دارای سواد خواندن و نوشتن، ۱۰/۹ درصد (۲۴ نفر) دارای تحصیلات ابتدایی، ۱۸/۶ درصد (۴۱ نفر) دارای تحصیلات راهنمایی، ۳۵/۹ درصد (۷۹ نفر) دیپلم، ۲۸/۲ درصد (۶۲ نفر) لیسانس و ۲/۷ درصد (۶ نفر) دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس بودند که بیشترین فراوانی به طبقه بالاتر از دیپلم تعلق داشت.

چالش‌های پیش روی دهیاران در مدیریت نوین روستایی از دیدگاه ساکنان روستاها

به‌منظور اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به چالش‌های پیش روی دهیاران مورد مطالعه از نگاه ساکنان روستاها از ضریب تغییرات استفاده شد که نتایج آن در قالب جدول (۳) ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از مطالعه، گویه‌های «همانگ نبودن ادارات دولتی با دهیاری‌ها در سطح روستا» و «نرخ بالای بیکاری در روستا» و «ضعف آموزش‌های مستمر و پایدار در خصوص امور روستاها به دهیاران» و «ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به روستا» به عنوان مهم‌ترین چالش‌های پیش روی دهیاران در مدیریت نوین روستایی از نگاه ساکنان روستاهای مورد مطالعه شهرستان اسکو بودند.

جدول (۳) اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به

چالش‌های دهیاران از نگاه ساکنان روستاها

چالش	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
همانگ نبودن ادارات دولتی با دهیاری‌ها در سطح روستا	۳/۴۱	۱/۱۶۹	۰/۳۴۲	۱
نرخ بالای بیکاری در روستا	۳/۴۸	۱/۲۱۸	۰/۳۵۰	۲
ضعف آموزش‌های مستمر و پایدار در خصوص امور روستاها به دهیاران	۳/۱۹	۱/۱۳۱	۰/۳۵۴	۳
ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به روستا	۳/۶۵	۱/۳۱۰	۰/۳۵۹	۴
مشکل دسترسی به وسایل ارتباطی مانند اینترنت	۲/۸۳	۱/۳۵۳	۰/۴۷۸	۶۸
نبود نهادهای اجتماعی قوی برای حمایت از دهیاران	۳/۲۰	۱/۷۷۷	۰/۵۵۵	۶۹
نبود وسیله حمل و نقل مناسب در روستا	۲/۹۸	۱/۸۰۳	۰/۶۰۵	۷۰
نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار	۳/۶۲	۲/۹۱۹	۰/۸۰۷	۷۱

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی چالش‌های اقتصادی - حمایتی مدیریت نوین روستایی

از نظر پاسخگویان در مؤلفه اقتصادی - حمایتی شاخص ناپایدار بودن وضعیت استخدامی و امنیت شغلی نداشتن دهیار با میانگین ۴/۵۰ مهم‌ترین چالش مدیریت نوین دهیارها در این بخش است و عدم پوشش بیمه دهیاران با میانگین ۲/۹۲ کم اهمیت‌ترین عامل مطرح شده است (جدول ۴).

جدول (۴). توزیع فراوانی شاخص‌های اقتصادی

- حمایتی از دیدگاه روستاییان

شاخص	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
ناپایدار بودن وضعیت استخدامی و امنیت شغلی نداشتن دهیار	۴/۵۰	۰/۹۳	۰/۲۰۷	۱
ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به روستا	۴/۵۰	۱/۰۶	۰/۲۳۶	۲
کمبود توان مالی روستاییان برای پرداخت خودیاری	۳/۹۶	۱/۰۸	۰/۲۷۴	۳
پایین بودن حقوق و مزایای شغلی دهیار	۴	۱/۱۰	۰/۲۷۶	۴
ناکارآمد بودن نظام اعتبارات روستایی	۳/۸۳	۱/۱۷	۰/۳۰۴	۵
نرخ بالای بیکاری در روستا	۳/۶۷	۱/۱۳	۰/۳۰۸	۶
عدم حمایت مناسب دولت از دهیاری‌ها برای جذب تسهیلات مالی و اعتباری بانکها	۳/۵۴	۱/۲۸	۰/۳۶۳	۷
کمبود تجهیزات و امکانات اداری در دهیاری	۳/۶۳	۱/۳۵	۰/۳۷۱	۸
عدم پوشش بیمه دهیاران	۲/۹۲	۱/۳۵	۰/۴۶۲	۹

منبع: یافته‌های پژوهش

برای اولویت‌بندی شاخص‌ها و مؤلفه‌های محدودیت‌های اقتصادی و حمایتی از نظر کارشناسان از روش مقایسه زوجی (FAHP) استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در بین متغیرهای مورد بررسی شاخص‌های ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به

روستا و عدم حمایت مناسب دولت از دهیاری‌ها برای جذب تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها به ترتیب با وزن‌های ۰/۳۴ و ۰/۲۸ مهم‌ترین محدودیت ارزیابی شناسایی شدند و کمبود توان مالی روستاییان برای پرداخت خودیاری و پایین بودن حقوق و مزایای شغلی دهیار با اوزان ۰/۰۵ و ۰/۰۷ کم‌اهمیت‌ترین چالش در این زمینه شناسایی شدند (جدول ۵).

جدول (۵). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصادی و حمایتی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش اقتصادی – حمایتی	وزن شاخص
	ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به روستا	۰/۲۳
	عدم حمایت مناسب دولت از دهیاری‌ها برای جذب تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها	۰/۲۰
	ناکارآمد بودن نظام اعتبارات روستایی	۰/۱۳
	کمبود تجهیزات و امکانات اداری در دهیاری	۰/۱۱
	ناپایدار بودن وضعیت استخدامی و امنیت شغلی نداشتن دهیار	۰/۰۹
	نرخ بالای بیکاری در روستا	۰/۰۸
	عدم پوشش بیمه دهیاران	۰/۰۸
	پایین بودن حقوق و مزایای شغلی دهیار	۰/۰۷
	کمبود توان مالی روستاییان برای پرداخت خودیاری	۰/۰۵

- بررسی چالش‌های مدیریتی در حوزه مدیریت نوین روستایی

همانطور که در جدول (۶) مشخص است چالش مدیریتی از نظر پاسخگویان در مؤلفه‌های نبود هماهنگی‌های لازم بین سازمان‌های مختلف در روستا با میانگین ۴ و

تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام حاکم بر مدیریت روستایی کنونی ۳/۷۹ مهم‌ترین چالش و نبود طرح جامع برای توسعه روستاها با میانگین ۳/۲۵ موازی بودن فعالیت‌های شوراهای دهیار با میانگین ۳/۲۹ به عنوان ضعیف‌ترین چالش مطرح شد.

جدول (۶). توزیع فراوانی شاخص‌های مدیریتی از دیدگاه روستاییان

شاخص	پیش‌بینی	تأیید	رد	رد
نبود هماهنگی‌های لازم بین سازمان‌های مختلف در روستا	۴	۱/۰۶	۰/۲۶۶	۱
تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام حاکم بر مدیریت روستایی کنونی	۳/۷۹	۱/۰۶	۰/۲۸۰	۲
مستقل نبودن دهیاران و وجود سبک مدیریتی بالا به پایین	۳/۷۹	۱/۲۲	۰/۳۲۰	۳
فقدان قدرت اجرایی دهیار	۴/۰۸	۱/۳۲	۰/۳۲۲	۴
جدی نگرفتن و ترتیب اثر ندادن به مکاتبات و درخواست‌های دهیاری از طرف سازمان‌های متولی توسعه روستایی	۳/۶۷	۱/۳۱	۰/۳۵۷	۵
فقدان نظارت مستمر بر فعالیت‌های مدیران روستایی	۳/۳۳	۱/۴۰	۰/۴۲۱	۶
عدم تشکیل جلسه اداری برای مطرح و حل مشکلات روستا توسط سازمان‌های متولی توسعه روستایی	۳/۲۱	۱/۵۰	۰/۴۶۸	۷
موازی بودن فعالیت‌های شوراهای دهیار	۳/۲۹	۱/۵۷	۰/۴۷۸	۸
نبود طرح جامع برای توسعه روستاها	۳/۲۵	۱/۵۹	۰/۴۹۱	۹

نتایج حاصل از مقایسه زوجی (FAHP) شاخص‌های مربوط به محدودیت مدیریتی از نظر کارشناسان نشان می‌دهد که شاخص‌های تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام حاکم بر مدیریت روستایی کنونی و نبود طرح جامع برای توسعه روستاها به ترتیب با وزن‌های ۰/۱۶ و ۰/۱۴ به عنوان مهم‌ترین محدودیت شناسایی شدند این در حالی است که عامل‌های فقدان قدرت اجرایی دهیار و فقدان نظارت مستمر بر فعالیت‌های مدیران روستایی با وزن‌های ۰/۰۴ و ۰/۰۵ به عنوان کم اهمیت‌ترین چالش شناسایی شدند (جدول ۷).

جدول (۷). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدیریتی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش مدیریتی	وزن شاخص
تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام حاکم بر مدیریت روستایی کنونی	نبود طرح جامع برای توسعه روستاها	۰/۱۴
	مستقل نبودن دهیاران و وجود سبک مدیریتی بالا به پایین	۰/۱۱
	عدم تشکیل جلسه اداری برای مطرح و حل مشکلات روستا توسط سازمان‌های متولی توسعه روستایی	۰/۰۸
	موازی بودن فعالیت‌های شوراهای دهیار	۰/۰۸
فقدان نظارت مستمر بر فعالیت‌های مدیران روستایی	فقدان قدرت اجرایی دهیار	۰/۰۴
	نبود هماهنگی‌های لازم بین سازمان‌های مختلف در روستا	۰/۰۷
	فقدان نظارت مستمر بر فعالیت‌های مدیران روستایی	۰/۰۵

بررسی چالش‌های آموزشی و تخصصی در مدیریت نوین روستایی
در بررسی چالش‌های آموزشی و تخصصی براساس دیدگاه

روستاییان مورد مطالعه نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش این بخش مربوط به مورد بی‌سوادی یا کم سوادی روستاییان با وزن ۴/۳۳ بود و کمترین اهمیت در این بخش مربوط به عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی برای دهیاران و مردم با وزن ۲/۸۳ بود (جدول ۸).

جدول (۸). توزیع فراوانی شاخص‌های آموزشی و تخصصی از دیدگاه روستاییان

شاخص	میانگین	انحراف معیار	رتبه
بی سوادی یا کم سوادی روستاییان	۴/۳۳	۰/۸۲	۱
ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و کاربردی در حوزه مدیریت نوین روستایی	۴/۰۸	۱/۰۲	۲
عدم آشنایی روستاییان با وظایف و تکالیف خود در قبال دهیاری	۴/۱۷	۱/۱۳	۳
در اختیار نداشتن نیروهای کارآمد و متخصص در دهیاری	۳/۷۱	۱/۰۸	۴
ضعف آموزش‌های مستمر و پایدار در خصوص امور روستاها به دهیاران	۳/۴۲	۱/۰۶	۵
ناکافی بودن افراد متخصص برای انجام پروژه‌های روستایی	۳/۷۱	۱/۱۲	۶
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی برای دهیاران و مردم	۲/۸۳	۱/۳۴	۷

نتایج بررسی مقایسات زوجی (FAHP) براساس دیدگاه کارشناسان در بخش آموزشی و تخصصی نشان داد که مانند سایر بخش‌های قبل توافقی دیده نمی‌شود به طوری که براساس سنجه‌های این بخش مهم‌ترین و ضعیف‌ترین چالش مدیریت نوین روستایی در این زمینه شامل ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و کاربردی در حوزه مدیریت نوین روستایی و عدم آشنایی روستاییان با وظایف و تکالیف خود در قبال دهیاری به ترتیب با اوزان ۰/۱۵ و ۰/۰۵ بود (جدول ۹).

جدول (۹). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های آموزشی و تخصصی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش آموزشی و تخصصی	وزن شاخص
ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و کاربردی در حوزه مدیریت نوین روستایی	۰/۱۵	
	۰/۱۳	
ناکافی بودن افراد متخصص برای انجام پروژه‌های روستایی	۰/۱۱	
	۰/۰۹	
در اختیار نداشتن نیروهای کارآمد و متخصص در دهیاری	۰/۰۸	
	۰/۰۶	
عدم برگزاری کلاس‌های آموزشی برای دهیاران و مردم	۰/۰۵	
	۰/۰۵	

بررسی چالش‌های اجتماعی مدیریت نوین روستایی

براساس نتایج ارائه شده در جدول شماره (۱۰) در زمینه چالش‌های اجتماعی مدیریت نوین روستایی براساس دیدگاه روستاییان شهرستان اسکو نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش‌های این بخش شامل وجود انتظارات بیش از حد روستاییان از دهیار و مشارکت و همکاری نکردن روستاییان با دهیار با میانگین‌های ۴/۲۹ و ۴/۲۱

بود و ضعیف‌ترین چالش‌های این بخش مربوط به وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای در جامعه روستایی و باور نداشتن روستاییان به عنوان عاملان توسعه توسط مقامات دولتی با میانگین‌های ۳/۲۱ و ۳/۱۷ بود.

(۱۰). توزیع فراوانی شاخص‌های اجتماعی از دیدگاه روستاییان

شاخص	فراوانی	نسبت فراوانی	وزن	رتبه
وجود انتظارات بیش از حد روستاییان از دهیار	۴/۲۹	۰/۶۹	۰/۱۶۱	۱
مشارکت و همکاری نکردن روستاییان با دهیار	۴/۲۱	۱/۱۸	۰/۲۸۰	۲
بی‌اعتمادی مردم روستا به نظمه و قانونمند شدن امور روستا	۳/۶۳	۱/۳۱	۰/۳۶۲	۳
نگاه مردم به دهیاری به عنوان مأمور دولت	۳/۰۸	۱/۱۸	۰/۳۸۲	۴
پایین بودن تعاون و همکاری میان مردم روستا	۳/۲۱	۱/۳۲	۰/۴۱۱	۵
عدم تطبیق وظایف دهیار با نیازهای مدیریت نوین	۳/۲۹	۱/۳۷	۰/۴۱۵	۶
نبود نهادهای اجتماعی قوی برای حمایت از دهیاران	۳/۶۳	۱/۵۶	۰/۴۲۹	۷
باور نداشتن روستاییان به عنوان عاملان توسعه توسط مقامات دولتی	۳/۱۷	۱/۳۷	۰/۴۳۳	۸
وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای در جامعه روستایی	۳/۲۱	۱/۵۹	۰/۴۹۵	۹

امکانات عمومی در روستا و وجود مشکلات زیرساختی در توسعه روستاها با میانگین ۳/۹۶ و ۳/۷۹ بود این در حالی است که موارد مشکل دسترسی به وسایل ارتباطی مانند اینترنت و فرسوده بودن بافت فیزیکی-کالبدی و سنتی روستا مشترکاً با میانگین ۳/۴۲ از اهمیت کمتری برخوردار است (جدول ۱۲).

جدول (۱۲). توزیع فراوانی شاخص‌های زیرساختی از دیدگاه روستائیان

شاخص	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی
شاخص	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی	توزیع فراوانی
کمبود امکانات عمومی در روستا	۳/۹۶	۱	۰/۲۵۲	۱
وجود مشکلات زیرساختی در توسعه روستاها	۳/۷۹	۱/۱۸	۰/۳۱۱	۲
نبود ساختمان مستقل برای دهیاری	۳/۹۶	۱/۲۷	۰/۳۲۰	۳
نبود تجهیزات الکترونیکی لازم در دهیاری	۳/۵۴	۱/۱۴	۰/۳۲۲	۴
فقدان مطالعه و نیاز سنجی در مورد مشکلات روستائیان	۳/۵۸	۱/۲۵	۰/۳۴۸	۵
تازه تأسیس بودن دهیاری‌ها	۳/۳۸	۱/۲۴	۰/۳۶۹	۶
عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب	۳/۱۳	۱/۲۶	۰/۴۰۴	۷
فرسوده بودن بافت فیزیکی-کالبدی و سنتی روستا	۳/۴۲	۱/۴۴	۰/۴۲۲	۸
مشکل دسترسی به وسایل ارتباطی مانند اینترنت	۳/۴۲	۱/۴۷	۰/۴۳۱	۹

نتایج حاصل از اولویت‌بندی شاخص‌های اجتماعی مدیریت نوین روستایی نشان می‌دهد در بین متغیرهای مورد بررسی عدم تطبیق وظایف دهیار با نیازهای مدیریت نوین و وجود انتظارات بیش از حد روستائیان از دهیار به ترتیب با وزن‌های ۰/۱۸ و ۰/۱۶ مهم‌ترین چالش‌ها هستند و وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای در جامعه روستایی و پایین بودن تعاون و همکاری میان مردم روستا به ترتیب مشترکاً با وزن ۰/۰۵ کم‌اهمیت‌ترین چالش موجود در این زمینه هستند (جدول ۱۱).

جدول (۱۱). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های اجتماعی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش اجتماعی	وزن شاخص
اجتماعی	عدم تطبیق وظایف دهیار با نیازهای مدیریت نوین	۰/۱۸
	وجود انتظارات بیش از حد روستائیان از دهیار	۰/۱۶
	مشارکت و همکاری نکردن روستائیان با دهیار	۰/۱۲
	نبود نهادهای اجتماعی قوی برای حمایت از دهیاران	۰/۱۱
	باور نداشتن روستائیان به عنوان عاملان توسعه توسط مقامات دولتی	۰/۱۰
	بی‌اعتمادی مردم روستا به نظم‌ده و قانونمند شدن امور روستا	۰/۰۸
	نگاه مردم به دهیاری به عنوان مأمور دولت	۰/۰۶
	پایین بودن تعاون و همکاری میان مردم روستا	۰/۰۵
	وجود اختلافات قومی و قبیله‌ای در جامعه روستایی	۰/۰۵

بررسی چالش‌های زیرساختی مدیریت نوین روستایی

در بررسی چالش‌های زیرساختی مدیریت نوین روستایی در شهرستان اسکو براساس دیدگاه جوامع محلی نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش‌های در این بخش کمبود

نتایج ارائه شده در جدول (۱۳) در بررسی دیدگاه کارشناسان در زمینه چالش‌های زیرساختی مدیریت نوین روستایی در شهرستان اسکو نتایج نشان داد که شاخص‌های فقدان مطالعه و نیاز سنجی در مورد مشکلات روستاییان و وجود مشکلات زیرساختی در توسعه روستاها با اوزان ۰/۲۳ و ۰/۱۳ بیشترین اهمیت را دارند و شاخص‌های تازه تأسیس بودن دهیاری‌ها و نبود ساختمان مستقل برای دهیاری به طور مشترک با وزن ۰/۰۵ کمترین اهمیت را در این بخش دارند.

جدول (۱۳). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های زیرساختی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش زیرساختی	وزن شاخص
فقدان مطالعه و نیاز سنجی در مورد مشکلات روستاییان	۰/۲۳	
وجود مشکلات زیرساختی در توسعه روستاها	۰/۱۳	
فرسوده بودن بافت فیزیکی-کالبدی و سنتی روستا	۰/۱۰	
نبود تجهیزات الکترونیکی لازم در دهیاری	۰/۰۹	
کمبود امکانات عمومی در روستا	۰/۰۸	
مشکل دسترسی به وسایل ارتباطی مانند اینترنت	۰/۰۸	
عدم دسترسی به راه‌های ارتباطی مناسب	۰/۰۶	
تازه تأسیس بودن دهیاری‌ها	۰/۰۵	
نبود ساختمان مستقل برای دهیاری	۰/۰۵	

بررسی چالش‌های حقوقی مدیریت نوین روستایی

در نهایت در بررسی چالش‌های حقوقی مدیریت نوین روستایی براساس دیدگاه روستاییان مطالعه شده نتایج نشان داد که از بین شاخص‌های مورد بررسی شاخص

نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار با میانگین ۴/۴۲ و وجود بروکراسی طولیل و عریض اداری (وجود نامه‌نگاری‌های بیش از حد در سیستم اداری) با میانگین ۳/۸۸ مهم‌ترین چالش‌ها در زمینه عنوان شدند و مورد حجیم بودن قوانین و اساسنامه‌های مربوط به تأسیس و فعالیت دهیاران با میانگین ۳/۲۱ کمترین اهمیت را در این زمینه دارد (جدول ۱۴).

جدول (۱۴). توزیع فراوانی شاخص‌های حقوقی از دیدگاه روستاییان

شاخص	وزن	میانگین	انحراف معیار	رتبه
نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار	۴/۴۲	۰/۸۸	۰/۱۹۹	۱
وجود بروکراسی طولیل و عریض اداری (وجود نامه‌نگاری‌های بیش از حد در سیستم اداری)	۳/۸۸	۰/۹۰	۰/۲۳۲	۲
تداخل وظایف سازمان‌های متولی توسعه روستایی در سطح روستا	۴/۰۴	۰/۹۵	۰/۲۳۶	۳
نبود یک متولی معین و ثابت جهت رسیدگی به امورات جامعه روستایی	۳/۸۳	۱/۰۵	۰/۲۷۴	۴
هماهنگ نبودن ادارات دولتی با دهیاری‌ها در سطح روستا	۴/۲۱	۱/۱۸	۰/۲۸۰	۵
وجود ضعف در ساختارها و سیاست‌های موجود نظام اداری مدیریت روستایی	۳/۷۵	۱/۱۱	۰/۲۹۷	۶
مشخص نبودن برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان شهری و دهیاری‌های کشور	۳/۴۲	۱/۲۵	۰/۳۶۵	۷
حجیم بودن قوانین و اساسنامه‌های مربوط به تأسیس و فعالیت دهیاران	۳/۲۱	۱/۱۸	۰/۳۶۷	۸

تک نمونه‌ای استفاده شد عدد ۳ به عنوان میانه نظری این ارزیابی انتخاب شد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که در تمامی ابعاد پژوهش، در منطقه مورد مطالعه، چالش‌های مدیریت نوین روستایی بالاتر از میانه نظری هستند (جدول ۱۶).

جدول (۱۶). چالش‌های مدیریت نوین روستایی از نظر جوامع محلی

انحراف معیار	خطای استاندارد	تعداد	میانگین	نقد
۱/۱۶	۰/۰۲	۲۲۰	۳/۸۳	اقتصادی - حمایتی
۱/۳۳	۰/۰۳	۲۲۰	۳/۶۰	مدیریتی
۱/۰۸	۰/۰۲	۲۲۰	۳/۷۵	آموزشی و تخصصی
۱/۲۸	۰/۰۲	۲۲۰	۳/۵۲	اجتماعی
۱/۲۵	۰/۰۳	۲۲۰	۳/۵۷	زیست‌محیطی
۱/۰۶	۰/۰۳	۲۲۰	۳/۸۲	فرهنگی

در این قسمت از مطالعه با توجه به نظر کارشناسان ضریب اهمیت مولفه‌های اقتصادی - حمایتی، آموزشی و تخصصی، اجتماعی، زیرساختی و حقوقی بر چالش‌های مدیریت نوین روستایی تعیین شد. نتایج جدول (۱۷) نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های مورد بررسی مهم‌ترین چالش‌های مدیرین نوین روستایی شامل

نتایج ارائه شده براساس مقایسات زوجی در این بخش در جدول (۱۵) ارائه شده است براساس نتایج ارائه شده می‌توان گفت که مهم‌ترین و ضعیف‌ترین چالش‌های حقوقی مدیریت نوین روستایی شامل موارد وجود ضعف در ساختارها و سیاست‌های موجود نظام اداری مدیریت روستایی و حجیم بودن قوانین و اساسنامه‌های مربوط به تأسیس و فعالیت دهیاران به ترتیب با اوزان ۰/۱۸ و ۰/۰۵ بودند.

جدول (۱۵). وزن نهایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های حقوقی از نظر کارشناسان

مؤلفه	شاخص‌های چالش حقوقی	وزن شاخص
وجود ضعف در ساختارها و سیاست‌های موجود نظام اداری مدیریت روستایی	۰/۱۸	
نبود یک متولی معین و ثابت جهت رسیدگی به امورات جامعه روستایی	۰/۱۳	
مشخص نبودن برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان شهرداریها و دهیارهای کشور	۰/۱۱	
نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار	۰/۱۱	
وجود بروکراسی طولیل و عریض اداری (وجود نامه‌نگاری‌های بیش از حد در سیستم اداری)	۰/۰۸	
تداخل وظایف سازمان‌های متولی توسعه روستایی در سطح روستا	۰/۰۷	
همانگ نبودن ادارات دولتی با دهیاری‌ها در سطح روستا	۰/۰۶	
حجیم بودن قوانین و اساسنامه‌های مربوط به تأسیس و فعالیت دهیاران	۰/۰۵	

شناسایی و اولویت‌بندی ضرایب تاثیر ابعاد مورد بررسی بر چالش‌های مدیریت نوین روستایی

در هر یک از ابعاد مورد نظر برای مشخص کردن میزان چالش‌های مدیریت نوین روستایی از آزمون T

مدیریتی و اقتصادی - حمایتی با وزن ۰/۱۹ است. این در حالی است که مولفه اجتماعی با وزن ۰/۱۳ اهمیت کمتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد.

جدول (۱۷). ضرایب اثرگذاری ابعاد چالش‌های مدیریت نوین روستایی از دیدگاه کارشناسان

ابعاد	وزن شاخص
اقتصادی - حمایتی	۰/۱۹
مدیریتی	۰/۱۹
آموزشی و تخصصی	۰/۱۴
اجتماعی	۰/۱۳
زیرساختی	۰/۱۸
حقوقی	۰/۱۷

۵- نتیجه‌گیری

مدیریت روستایی که تاکنون در کشور انجام شده است معمولاً به صورت سنتی بوده است و نیاز است در این زمینه قدمی اساسی برداشته شود و مدیریت روستایی را مانند کشورهای توسعه یافته به سوی مدیریت نوین هدایت کرد که پیش زمینه آن بررسی چالش‌هایی است که در این زمینه وجود دارد تا براساس شناسایی آن‌ها بتوان گامی اساسی در این زمینه برداشت. بنابراین این تحقیق با هدف کلی بررسی چالش‌های مدیریت نوین روستایی بر اساس دیدگاه روستائیان و دهیاران در شهرستان اسکو از توابع استان آذربایجان شرقی انجام شد. نتایج تحقیق در این زمینه نشان داد که در بخش چالش‌های اقتصادی - حمایتی از دیدگاه جوامع محلی مهم‌ترین عامل‌ها شامل موارد نظام سیاست‌گذاری، شاخص ناپایدار بودن وضعیت استخدامی و نبود امنیت شغلی برای دهیار بود اما از دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این بخش شامل ناکافی بودن بودجه اختصاص داده شده به روستا و عدم حمایت مناسب دولت از دهیاری‌ها برای جذب تسهیلات مالی و اعتباری بانک‌ها بود که این یافته با نتایج مطالعات سایر محققان (Eft-، ۲۰۱۱؛ Badri، ۲۰۱۲؛ Ekhari، ۲۰۰۳؛ Estelaji، ۲۰۱۲) همخوانی دارد. در

تفسیر این بخش می‌توان گفت که عدم رضایت و امنیت شغلی در میان دهیاران و تخصیص ندادن بودجه مناسب برای جوامع روستایی جهت توسعه فیزیکی و اقتصادی روستا مانعی اساسی در زمینه مدیریت نوین روستایی ایجاد کرده است. نتایج بررسی چالش‌های مدیریت نوین روستایی در بخش مدیریتی نشان داد که براساس دیدگاه جوامع محلی و دهیاران به ترتیب شامل نبود هماهنگی‌های لازم بین سازمان‌های مختلف در روستا و تعارض مدیریت سنتی و نوین در نظام حاکم بر مدیریت روستایی کنونی بود که با نتایج مطالعات سایر محققان (Hasanvand & Hasanvand، ۲۰۱۱؛ Moradi & Imani Jajarmi & Abdollahi، ۲۰۰۹؛ Agahi، ۲۰۱۴؛ Eftekhari et al.، ۲۰۱۶) همخوانی دارد. به‌گونه‌ای که افتخاری و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیق خود اذعان داشتند که بر اساس اعتقاد روستائیان، دهیاران در تدوین و اجرای برنامه‌های عمرانی روستا به خوبی مشارکت داده نمی‌شوند و هماهنگی لازم بین دهیاری‌ها و سازمان‌های متولی طرح‌های عمران روستایی وجود ندارد. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که جوامع محلی اذعان داشتند که سازمان‌های مختلفی که در سطح روستا فعالیت می‌کنند بین آن‌ها هیچگونه هماهنگی وجود ندارد و در بعضی موارد موازی کاری و تداخل وظایف در میان آن‌ها دیده می‌شود همچنین دهیاران در این زمینه بر این باور بودند بسیاری جوامع محلی همچنان مانند گذشته می‌خواهند جوامع روستایی اداره شود و جایگاه دهیاری در میان آنان از منزلت اجتماعی مناسبی برخوردار نیست لذا جهت بر طرف نمودن این عامل باید تغییرات اساسی در زمینه فعالیت ارگان‌های فعال صورت گیرد. همچنین در بررسی موانع آموزشی و تخصصی بر اساس دیدگاه جوامع محلی نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش شامل بی‌سوادی یا کم سوادی می‌دانند و آنان بر این باور بودند که مدیریت نوین روستایی مستلزم جوامعی باسواد و تحصیل کرده است. اما براساس دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این بخش ناکافی بودن تحقیقات بنیادی و کاربردی در حوزه

مدیریت نوین روستایی بود دهیاران مطالعه شده در این زمینه ذکر کردند که مدیریت نوین روستایی مستلزم تحقیقات کاربردی و بنیادی است که تا تمامی جوانب آن شناخته نشود و راه‌های عملی کردن آن ناشناخته بماند نمی‌توان مدیریت نوین روستایی را در میان روستاهای ایران پیاده کرد. علاوه بر این در بررسی چالش‌های اجتماعی مدیریت نوین روستایی از دیدگاه جوامع محلی نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش این بخش وجود انتظارات بیش از حد روستاییان از دهیار است روستاییان همواره بر این باور بودند که دهیار به تنهایی قادر به پیاده کردن مدیریت نوین روستایی نیست و فشار وارده بر آنان هم از طرف جوامع محلی و هم از طرف دولت فقط باعث افزایش انتظار از آنان شده و نوعی سردرگمی در فعالیت آنان دیده خواهد شد، همچنین براساس دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این زمینه عدم تطبیق وظایف دهیار با نیازهای مدیریت نوین است که این یافته تحقیق با نتایج مطالعات سایر محققان (Ghadiri-masum et al., ۲۰۱۳; Azmi et al., ۲۰۱۱; Rajab-salahi et al., ۲۰۱۲) همخوانی دارد. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که وظایفی که از سوی دولت بر عهده دهیاران گذاشته می‌شود معمولاً در راستای مدیریت نوین روستایی نیست و فعالیت‌هایی اجرایی معمولاً به عهده دهیاران گذاشته می‌شود. در بررسی نتایج چالش‌های زیرساختی مدیریت نوین روستایی براساس دیدگاه جوامع محلی و دهیاران به ترتیب مهم‌ترین چالش‌ها شامل موارد کمبود امکانات عمومی در روستا و فقدان مطالعه و نیازسنجی در مورد مشکلات روستاییان بود که این یافته تحقیق با نتایج مطالعات سایر محققان (Nazari Badri, ۲۰۱۱; Azmi et al., ۲۰۱۲; Sadin, ۲۰۱۱) همخوانی دارد. در بررسی این نتیجه پژوهش می‌توان گفت که روستاییان مطالعه شده بر این نکته صحه می‌گذاشتند که مدیریت نوین روستایی در روستاهایی قابلیت عملیاتی دارد که روستاهای موجود نیز دارای امکانات و خدمات نوین و پیشرفته باشد و تا زمانی که روستاها از کمبود امکانات اولیه رنج می‌برند مدیریت نوین روستایی در حد حرف و شعار باقی می‌ماند از طرفی دیگر بسیاری از دهیاران مطالعه شده نیز باور داشتند که پیش‌نیاز مدیریت نوین نیازسنجی هست و باید مدیریت روستایی طرح‌های اجرایی خود را براساس نیاز روستاییان اجرا کند چرا که اگر براساس نیاز نباشد سطح پذیرش به شدت افت می‌کند. در نهایت در بررسی چالش‌های حقوقی مدیریت نوین روستایی نتایج نشان داد که براساس دیدگاه جوامع محلی نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار بود و از دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش وجود ضعف در ساختارها و سیاست‌های موجود نظام اداری مدیریت روستایی بود که این یافته تحقیق با نتایج تحقیق سایر محققان (Farahani & Roostamkhani, ۲۰۱۱; Badri, ۲۰۱۱; Rahmani-fazli et al., ۲۰۱۵) همخوانی دارد. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که در ساختارها و سیاست‌های مدیریت و توسعه روستایی جایگاه دهیار در زمینه مدیریت نوین روستایی به طور شفافی مشخص نشده است همچنین در سیاست‌های آنان عزمی راسخ در جهت توسعه مدیریت نوین روستایی دیده نمی‌شود و لازم است در این زمینه بازنگری اساسی صورت گیرد چرا که نیاز جوامع روستایی با توجه به گستره ارتباطات تغییر می‌کند و مدیریت سنتی و گذشته جوابگوی نیازهای آنان نیست. اما در بررسی نتایج کلی تحقیق براساس دیدگاه جوامع روستایی تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی در چالش‌های مدیریت نوین روستایی بالاتر از حد میانه هستند که چالش اقتصادی - حمایتی با میانگین ۳/۸۳ به عنوان مهم‌ترین عامل شناسایی شد و بعد از آن چالش‌های حقوقی و آموزشی - تخصصی در رتبه‌های بعدی هستند اما براساس دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این زمینه اقتصادی - حمایتی و مدیریتی به طور مشترک با اوزان ۰/۱۹ مهم‌ترین چالش شناسایی شدند و بعد از آن چالش زیرساختی در رتبه بعدی قرار دارد همانطور که از نتایج پیداست بین جوامع محلی و دهیاران براساس چالش اقتصادی - حمایتی به عنوان مهم‌ترین چالش مدیریت نوین روستایی توافق وجود دارد در این راستا

مدیریت نوین روستایی بود دهیاران مطالعه شده در این زمینه ذکر کردند که مدیریت نوین روستایی مستلزم تحقیقات کاربردی و بنیادی است که تا تمامی جوانب آن شناخته نشود و راه‌های عملی کردن آن ناشناخته بماند نمی‌توان مدیریت نوین روستایی را در میان روستاهای ایران پیاده کرد. علاوه بر این در بررسی چالش‌های اجتماعی مدیریت نوین روستایی از دیدگاه جوامع محلی نتایج نشان داد که مهم‌ترین چالش این بخش وجود انتظارات بیش از حد روستاییان از دهیار است روستاییان همواره بر این باور بودند که دهیار به تنهایی قادر به پیاده کردن مدیریت نوین روستایی نیست و فشار وارده بر آنان هم از طرف جوامع محلی و هم از طرف دولت فقط باعث افزایش انتظار از آنان شده و نوعی سردرگمی در فعالیت آنان دیده خواهد شد، همچنین براساس دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این زمینه عدم تطبیق وظایف دهیار با نیازهای مدیریت نوین است که این یافته تحقیق با نتایج مطالعات سایر محققان (Ghadiri-masum et al., ۲۰۱۳; Azmi et al., ۲۰۱۱; Rajab-salahi et al., ۲۰۱۲) همخوانی دارد. در تحلیل این یافته می‌توان گفت که وظایفی که از سوی دولت بر عهده دهیاران گذاشته می‌شود معمولاً در راستای مدیریت نوین روستایی نیست و فعالیت‌هایی اجرایی معمولاً به عهده دهیاران گذاشته می‌شود. در بررسی نتایج چالش‌های زیرساختی مدیریت نوین روستایی براساس دیدگاه جوامع محلی و دهیاران به ترتیب مهم‌ترین چالش‌ها شامل موارد کمبود امکانات عمومی در روستا و فقدان مطالعه و نیازسنجی در مورد مشکلات روستاییان بود که این یافته تحقیق با نتایج مطالعات سایر محققان (Nazari Badri, ۲۰۱۱; Azmi et al., ۲۰۱۲; Sadin, ۲۰۱۱) همخوانی دارد. در بررسی این نتیجه پژوهش می‌توان گفت که روستاییان مطالعه شده بر این نکته صحه می‌گذاشتند که مدیریت نوین روستایی در روستاهایی قابلیت عملیاتی دارد که روستاهای موجود نیز دارای امکانات و خدمات نوین و پیشرفته باشد و تا زمانی که روستاها از کمبود امکانات اولیه رنج می‌برند مدیریت نوین روستایی در حد حرف و شعار باقی می‌ماند از طرفی دیگر بسیاری از دهیاران مطالعه شده نیز باور داشتند که پیش‌نیاز مدیریت نوین نیازسنجی هست و باید مدیریت روستایی طرح‌های اجرایی خود را براساس نیاز روستاییان اجرا کند چرا که اگر براساس نیاز نباشد سطح پذیرش به شدت افت می‌کند. در نهایت در بررسی چالش‌های حقوقی مدیریت نوین روستایی نتایج نشان داد که براساس دیدگاه جوامع محلی نبود قدرت قانونی متناسب با مسئولیت دهیار بود و از دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش وجود ضعف در ساختارها و سیاست‌های موجود نظام اداری مدیریت روستایی بود که این یافته تحقیق با نتایج تحقیق سایر محققان (Farahani & Roostamkhani, ۲۰۱۱; Badri, ۲۰۱۱; Rahmani-fazli et al., ۲۰۱۵) همخوانی دارد. در تفسیر این یافته می‌توان گفت که در ساختارها و سیاست‌های مدیریت و توسعه روستایی جایگاه دهیار در زمینه مدیریت نوین روستایی به طور شفافی مشخص نشده است همچنین در سیاست‌های آنان عزمی راسخ در جهت توسعه مدیریت نوین روستایی دیده نمی‌شود و لازم است در این زمینه بازنگری اساسی صورت گیرد چرا که نیاز جوامع روستایی با توجه به گستره ارتباطات تغییر می‌کند و مدیریت سنتی و گذشته جوابگوی نیازهای آنان نیست. اما در بررسی نتایج کلی تحقیق براساس دیدگاه جوامع روستایی تمامی مؤلفه‌های مورد بررسی در چالش‌های مدیریت نوین روستایی بالاتر از حد میانه هستند که چالش اقتصادی - حمایتی با میانگین ۳/۸۳ به عنوان مهم‌ترین عامل شناسایی شد و بعد از آن چالش‌های حقوقی و آموزشی - تخصصی در رتبه‌های بعدی هستند اما براساس دیدگاه دهیاران مهم‌ترین چالش در این زمینه اقتصادی - حمایتی و مدیریتی به طور مشترک با اوزان ۰/۱۹ مهم‌ترین چالش شناسایی شدند و بعد از آن چالش زیرساختی در رتبه بعدی قرار دارد همانطور که از نتایج پیداست بین جوامع محلی و دهیاران براساس چالش اقتصادی - حمایتی به عنوان مهم‌ترین چالش مدیریت نوین روستایی توافق وجود دارد در این راستا

Azki, M (2008). An Introduction to the Sociology of Rural Development, Ettelaat publication, second edition, Tehran. (in persian)

Azmi, A., Imani, B., Nosrati, F. (2011). Today Situation and Barriers of Iran Rural Management-Case Study: Gargan Rood District in Talesh Township. *territory*, 8(issue4), 83-98. (in persian)

Badri, S A. (2011). Challenge Ahead of Rural Management in Iran & Presentation of Strategic Policies. *Doctrine of Policy Making*, 2(1), 147-180. (in persian)

Choobchian, S., Kalantari, K., Shabanali Fami, H. (2007). Factors Affecting The Performance Of Village Assistance Bureaus In Gilan Province Of Iran. *Village And Development*, 10(2), 87-108. (in persian)

Daneshvar Ameri, Z., Shabanali Fami, H., Shokati Amghani, M. (2016). Analysis on Satisfaction of Rural People about Dehyaries Performance (Case Study: Oskou County Villages). *Human Geography Research*, 48(3), 493-506. (in persian)

Eftekhari, R. (2003). Dehayaris and Sustainable Rural Management, *Dehariiha* (Monthly, VOL 2. (in persian)

Estelaji, A. R. (2012). Investigating Pattern of Rural Management with Emphasis on Local and Participatory Management of Dehyaries. *Quarterly of Geography*, 10(32), 239-258. (in persian)

Farahani H, Rostamkhani A. (2012). Evaluation the rule of Dehyariha in quality of life in rural areas case study: Keresf, khoda bande. *Journal of Urban and Rural Management*. VOL 10, NO 30. Pp 195-206. (in persian)

براساس نتایج تحقیق پیشنهاداتی به صورت زیر ارائه می‌گردد.

- از دهیاری‌های درجه‌ی سه به بعد و دهیاری‌های تمام وقت، یک نیروی کمک‌دهیار جهت همکاری با دهیار استخدام شود. پیشنهاد دیگر در رابطه با نحوه‌ی تأمین نیروی کمک‌دهیار این است که نیروی کمکی مورد نیاز دهیاری‌ها از جمع فارغ‌التحصیلان رشته‌های مربوط به حوزه‌ی روستایی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور به کار گرفته شود.

- با توجه به نتایج تحقیق؛ ضعف آموزش‌های مستمر و پایدار در خصوص امور روستاها به دهیاران یکی از مهم‌ترین چالش‌های آنان بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود با آموزش همه‌جانبه‌ی دهیاران در زمینه‌ی آشنایی آنان با ابعاد مختلف جامعه‌ی روستایی گام مؤثری در بهبود تخصص آنان برداشته شود.

- با دقت بر روی نتایج به دست آمده مشاهده می‌شود که در اختیار نداشتن نیروهای کارآمد و متخصص در دهیاری یکی دیگر از چالش‌های دهیاران است. با توجه به آمار بی‌شماری که از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های مربوط به حوزه‌ی مطالعات روستایی وجود دارد پیشنهاد می‌شود این افراد که تخصص لازم و متناسب برای فعالیت در دهیاری را دارند با اعطاء حقوق و مزایای شغلی، در دهیاری‌ها استخدام شوند تا اینکه از یک طرف هزینه‌ای که برای تربیت تحصیلی این افراد سرمایه‌گذاری شده است با بهره‌گیری از تخصص آنان در مدیریت روستایی مشکلات جوامع روستایی را بر طرف نمایند و از طرف دیگر مدیریت روستایی توسعه پیدا کند.

REFERENCES

Arabsorkhi, L., Imani Jajarmi, H., Ghafary, G. (2015). analysis of experience and issues of female managers in rural areas: case study of Isfahan province. *Journal of Rural Research*, 6(4), 769-786. (in persian)

- changes in Iran: from constitutional revolution until present time. *Rahbord Journal*, (Issue 52) Pp 221-244. (in persian)
- Kalantari, KH.** (2007). *Rural Sociology in Iran*. Second edition, Payam e-noor University press. Tehran. (in persian)
- Mahdavi M. and Ali Akbar Najafi kani** (2005) dehyaris, a new step in iranian rural management, geographical research quarterly, fall 2005; 37(53); pp. 21-34. (in persian)
- Mahdavi, M.** (1998). An introduction to rural geography in Iran, SAMT publication, Tehran. (in persian)
- Mahdavi, M.** (2002). Physical Planning of Rural Residence, booklet for Ph.D carrier, Faculty of geography, The University of Tehran. (in persian)
- Moradi, K., Agahi, H.** (2014). Investigating Rual Management Challenges by Using Qualitative Approach of Grounded Theory. *Geography And Development Iranian Journal*, 12(34), 167-181. (in persian)
- Motiey Langrudi, S H.** (2003). *Rural Planning with Emphasis on Iran*, Mashhad University Press. (in persian)
- Nayiji, M.** (2009). "The role of education of Dehyars in rural development. Case study: Dehyaris of Chamestan rural districts, Noor County". MSc. thesis in Geography and rural planning. Shahid Beheshti University of Tehran. (In Persian)
- Nazari. A. H, Sadin. H** (2012) analysis of Dehyaries Challenges in east of golestan province. National conference on rural development. University of guilan. (In Persian)
- Pourtaheri. M, Hamdami Moghadam. Y, Eftekhari. A. R** (2010) Assessment
- Fattahi, A.** (2013). Investigation of Social and Economic Development Levels in Villages of Ardakan - Yazd Plain. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 44(4), 593-602. (in persian)
- Ghadiri Masum, M. Riahi, V.** (2005). Investigating the Roles and Challenges of Rural Management in Iran *Geographical Research Quarterly*, Article 11, Volume 36, Issue 1 - Serial Number 127, November 2005. (in persian)
- Ghadiri, M. M., Taleghani, G., & Kouhestani, H.** (2013). The Pathology Of Rural Assistance Offices In East Azarbaijan Province: A Case Study Of Bostan Abad County. (in persian)
- Hajinejad, A., noori, M., fazlali, Z.** (2011). Assessment of using the Information and Communication Technology in Rural Management by Rural Managers (Dehyars) Case Study: Galoogah and Behshahr; Mazandaran Province. *Journal of Rural Research*, 2(6), 137-160. (in persian)
- Hasanvand, E. Hasanvand, E.** (2011). Village Assistance Office Experiences, Functions and Barriers to Success: A Case Study of Selseleh County in Iran. *Village and Development*, 14(2), 139-164. (in persian)
- Hiedari Sarban, V., Majnoony Tootakhane, A., Mofareh- Bonab, M.** (2015). Analysis of Satisfaction with the Quality of Dehyari Service with Using Gam Model: A Case Study of Bonab. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 7(2), 277-298. (in persian)
- Imani Jajarmi, H. & Abdollahi, M.** (2009). the study of rural management

- M. J., & Zolfaghari, A. A.** (2015). Evaluating the function of rural governors (deh-yars) in rural development (case study: aivan gharb, Illam). *JHRE*. 2015; 34 (149) :103-119. (in persian)
- Taleb, M. (2010).** Rural management in Iran, University of Tehran Press, third edition, Tehran. (in persian).
- Taqdisi A, Soori F, Seidai E, Kazemi Z.** (2011). Assessment and analysis of function managers in rural management (Case study: Konani section in Kohdasht province). *Journal of Urban and Rural Management*. VOL 9. NO 28. Pp 157-174. (in persian).
- Walker, D.** (2002). Decision support, learning and rural resource management, *Journal of Agricultural Systems*, 73 (1), 113-127.
- Sriram, M.S.** (2007). *Rural Management Education in India: A Retrospect*, Ahmedabad: press of Indian Institute of Management.
- Hodder, R.** (2000). *Development Geography*, Routledge, London.
- Shahhosseini, Y. (2004). Rural management in Iran from Kadkhodai to Dehyari. *Jihad Monthly*. VOL 263. (in persian).
- of council performance in rural development (case study: Aladagh Bojnourd District). *The modares journal of spatial planning*. Quarterly publication. Volume 14, Issue 3, winter 2010. Pp 23-38. (In Persian)
- Rahmani Fazli A, Sadeqi M, Alipoorian J B.** (2015). Theoretical basis of good governance in the modern rural management. *Journal of Urban and Rural Management*. VOL 38. NO 14. PP 43-54. (in persian)
- Rostami, F., Heidari, M.** (2018). A Case Study of The Achievements Rural Think Tank in The Village of Zardouee, Paveh; New Management Experience in Rural Development. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 49(4), 689-701. (in persian)
- Rajabsalahi H, Moosavi S A, Jahedi Y, Rasooli S.** (2012). The Analysis of the Education Effectiveness on the Performance of Rural Managers (Dhyaran). *Journal of Urban and Rural Management*, 3. 2012; 10 (29) :61-80. (in persian)
- Salimi, G., Mansouri, M. (2013).** Measurement and Comparison of Level of Agricultural Development in Rural Areas of West Azerbaijan Province from 2001 to 2009. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 44(2), pp 235-244. (in persian)
- Sarbarghi Moghaddam, T. Buzarjmehri, KH. & Ghasemi, M.** (2016). Performance of village head assistants (dehyar) on rural sustainable development (Case study: Torghabeh section locating in Binlood county). *Geographical Planning of Space*, 6(19), 119-136. (in persian)
- Shahbakhti, R., Mozafari, F., Rahimi,**